

همه گیری کووید ۱۹ و مسئله دردها و رنج‌های آن

فاروق طولی*

محمد نجاتی**، محسن محمودی***، سید عباس تقوی****

چکیده

بیماری کرونا و پیامدهای آن را می‌توان از زوایای مختلف مورد بررسی قرار داد. یکی از مهم‌ترین پیامدهای فلسفی این بیماری در حوزه درد و رنج‌های ناشی از آن است. دردها را می‌توان هرگونه آزار و آلامی دانست که جسم انسان را آزار می‌دهد و رنج‌ها نیز آزار و آلامی هستند که ابعاد غیر جسمی انسان را تحت تأثیر قرار می‌دهند. رنج‌ها، گاهی ذاتی زندگی انسان و ناشی از وجود انسان در این جهان هستند - رنج‌های وجودی - که به دو قسم رنج‌های روان‌شناختی و رنج‌های فلسفی تفکیک می‌شوند. اگر شخص در مواجهه با رنج‌های ذاتی خویش از ارائه پاسخ کارآمد ناتوان باشد آن‌گاه رنج‌های نوع دوم یعنی رنج‌های ماهوی بروز خواهند کرد.

روش تحقیق: پژوهش حاضر توصیفی است. با توصیف و تحلیل بنیادین محتوا، سعی در ارائه تبیین و تحلیلی نظام‌مند و منسجم از رابطه تأثیر و تأثر بین همه‌گیری کووید ۱۹ و برخی درد و رنج‌های ناشی از آن پرداخته است. یافته‌ها: یافته‌های مقاله حاضر نشان می‌دهد بیماری کرونا انواعی از دردهای خفیف

* دکتری تخصصی، استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی هرمزگان، Touli.farogh@hums.ac.ir

** دکتری تخصصی، استادیار گروه معارف اسلامی، دانشکده پزشکی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات درمانی هرمزگان (نویسنده مسئول)، Mohammad.nejati699@hums.ac.ir

*** دکتری تخصصی، استادیار گروه فلسفه اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد بندرعباس، m.mahmudif@yahoo.com

**** سطح چهار حوزه علمیه، مدرس و مدیر گروه معارف اسلامی دانشگاه علوم پزشکی هرمزگان، sa.taghavi@staff.nahad.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۰۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۱

و شدید و مزمن و غیرمزمن را در مبتلایان خود ایجاد کرده است. این بیماری در بسیاری از افراد مبتلا و حتی غیرمبتلا؛ اقسامی از رنج‌های روان‌شناختی و فلسفی را باعث شده است. کووید ۱۹ علاوه بر این، در برخی افراد دیگر نیز رنج‌های ثانویه و ماهوی را نیز به وجود آورده است.

نتیجه‌گیری: همه‌گیری کووید ۱۹ در دوره معاصر احتمالاً موجبات تغییرات رادیکالی خواهد شد. لزوم بازنگری در نگاه به روش‌های علوم و افراط در علوم با روش‌های تجربی (سایتیسم) و همچنین جایگاه انسان در این جهان و درمقابل خداوند (اومانیسم) مهم‌ترین این تغییرات محسوب می‌شوند.

کلیدواژه‌ها: کرونا، درد، رنج‌های وجودی، رنج‌های ماهوی.

۱. مقدمه

اواخر دسامبر سال ۲۰۱۹ در شهر ووهان چین بیماری عفونی جدیدی از خانواده کرونا ویروس شناسایی شد که توسط سازمان بهداشت جهانی (WHO) به نام بیماری کووید ۱۹ نام‌گذاری شد. این بیماری به جهت سرعت بالای انتقالی که داشت در کم‌تر از چند ماه در سراسر جهان انتشار یافت و درصد مرگی بین ۳ تا ۴ درصد از مبتلایان را ثبت کرد. کووید ۱۹ از خانواده کرونا ویروس‌هایی است که از جانوران به انسان منتقل می‌شود و پس از هم‌خانواده‌هایش یعنی بیماری سارس (SARS) و بیماری سندرم حاد تنفسی خاورمیانه و عربستان (MERS) به عنوان سومین بیماری از این دست محسوب می‌شود (Huang, 2020: 497). البته وجود تحقیقاتی چند، این فرضیه را قوت بخشیده که این بیماری از خفاش‌ها به انسان یا به صورت مستقیم و یا به واسطه میزبانانی ناشناخته منتقل شده است (فرنوش و دیگران، ۱۳۹۹: ۲). سرعت بسیار زیاد انتشار این ویروس و هم‌چنین جهش‌های شگفت‌انگیز، گمانه‌زنی‌هایی در خصوص احتمال داشتن منشأ انسانی و آزمایشگاهی کرونا ویروس را مطرح ساخته است. به کرونا ویروس و آثار آن از جهات مختلفی می‌توان نگاه کرد. پزشکان از منظر آسیب‌های جسمی آن، روان‌شناسان و روان‌پزشکان از منظر آسیب‌های روانی و به همین منوال، جامعه‌شناسان، فیلسوفان و دیگران از منظر تخصصی خودشان می‌پردازند و احتمالاً خواهند پرداخت. از منظر فلسفی مقالات و تألیفات زیادی چه در داخل کشور و چه در خارج از کشور به بررسی این بیماری و پیامدهای آن پرداخته شده است: ایمان‌پور، منصور (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل فلسفی بحران ناشی از ویروس کرونا» به بررسی مسئله شر در بحران

کرونا پرداخته است. از نظر نویسنده، در تحلیل و تقلیل رنج و شر ناشی از بیماری کرونا، هیچ‌یک از راه‌کارهای مشهور به‌تنهایی قادر به ارائه تحلیل شایسته نیستند و لذا باید در یک جهان‌بینی جامع، ترکیبی از این راه‌کارها مورد استفاده قرار گیرد. فلاح، محمدمهدی (۱۳۹۹) در مقاله «بحران کرونا، بستری برای بازنگری در مسئله علم و دین از منظر دین عامیانه» مسئله را مطرح می‌کند که بحران کرونا را می‌توان یک رخداد عینی و اجتماعی دانست که به محک جدی رابطه علم و دین می‌پردازد. از نظر نویسنده، نوع مواجهه جامعه ایران آن با بحران کرونا نمی‌تواند مؤید تعارض مطلق علم و دین باشد بلکه بحران کرونا نشان‌گر برخی تعارضات بین مواجهه جامعه دینی با توصیه‌های علمی می‌تواند باشد. نوالی، محمود (۱۳۹۹) در مقاله‌ای با عنوان «کرونا و ویروس به‌مثابه موت اصغر» با نگاهی ایجابی به ویروس کرونا برخی پیامدهای مثبت آن را مورد بررسی قرار داده است. از نظر نویسنده کرونا به‌واسطه محدودیت‌های مختلفی که برای ما ایجاد کرده می‌تواند نقشی آگاهی‌دهنده داشته باشد و همین نقش را می‌توان به‌منزله موت اصغر دانست تا ارزش‌های موجود را نقد و جرح کرده و در پس آن ارزش‌های نوین ایجاد کنیم.

نگاهی که در نوشتار حاضر طرح و دنبال می‌شود درحقیقت، بررسی اقسام درد و رنج ناشی از بیماری کرونا است. درد و رنج‌هایی که گاه با یکدیگر ارتباط منطقی دارند و گاهی فاقد هرگونه ارتباط منطقی هستند. در این مقاله با تفکیک درد و رنج، رنج‌ها در سه گونه رنج‌های اولیه روان‌شناختی، رنج‌های اولیه فلسفی و رنج‌های ثانویه مطرح شده است (نجاتی، ۱۳۹۹، ۱۳). در ادامه، ارتباط کرونا با درد و رنج‌های مذکور مورد مذاقه قرار می‌گیرد.

۲. درد و رنج و برخی ارتباطات احتمالی

درد را می‌توان یکی از عمومی‌ترین و شناخته‌شده‌ترین تجربیات بشر دانست. تقریباً همه انسان‌ها در طول عمر خویش بارها با شدت و ضعف، درد را تجربه می‌کنند. از گذشته تاکنون، درخصوص مسئله درد بحث و مذاقه شده است. در مورد مفهوم درد از چند منظر ورود نمود که برخی اقسام آن به نوشتار حاضر ارتباط دارد. از جمله مهم‌ترین آن‌ها بحث در مورد تعریف و ماهیت درد است و دیگری بحث درباب علت یا علت‌های بروز درد است. با دو رویکرد می‌توان در مورد ماهیت و مفهوم درد صحبت کرد. این‌که ما درد را عبارت از آلام و آزارهای جسمی و غیرجسمی بدانیم و درد را اعم از درد و رنج بدانیم و این‌که درد را صرفاً آلام و

آزار جسمی و متفاوت از رنج لحاظ کنیم (Hicc, 2007: 292).

رنج و آزار و آلام آن امری فراتر از جسم انسان را دربر می‌گیرد. فیلسوفان مسلمان ذیل تفکیک آلام و لذات در اقسام حسی، خیالی و عقلی به‌نوعی میان درد و رنج تمایز قائل شده و رنج را جزء آلام خیالی و عقلی لحاظ می‌کنند. رنج را عمدتاً امری ادراکی و از سنخ ادراک امور منافی و معارض طبیعت و تمایل انسان دانسته‌اند (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ۳۸۷۲). رنج مواجهه با وضعیتی اجتناب‌ناپذیر یا سرنوشتی غیرقابل‌تغییر برای انسان است (فرانکل، ۱۳۷۲: ۱۷۵).

در بحث روابط احتمالی بین درد و رنج و برخی مفاهیم مرتبط دیگر هم‌چون شرّ می‌توان گفت؛ درد گاهی می‌تواند علت ناقصه و نه تامه ایجاد اقسامی از رنج‌ها شود. مانند دردهای مزمن و دردناک ناشی از برخی بیماری‌ها و یا دردهای مزمن که منشأ آن مشخص نباشد. اما این همیشگی نیست و گاهی دردها هیچ رنجی را در انسان ایجاد نمی‌کنند و حتی دردهایی وجود دارند که ایجاد لذت می‌کنند. مانند درد ناشی از ورزش‌ها که مؤید بالارفتن سلامتی انسان هستند. رنج را می‌توان بازتاب برخی موقعیت‌های ناگوار دانست که برخی دردها یکی از آن موقعیت‌های رنج‌آور محسوب می‌شوند. اما در بحث شرّ باید گفت شرّ یک مفهوم کلامی است که بیشتر ذیل مباحث اثبات وجود خداوند مطرح می‌شود. با فرض تحقق وجود خارجی شرّ، به‌نظر می‌رسد شرّ می‌تواند گاهی علت ایجاد برخی انواع درد و رنج شود. مانند جنگ که باعث ایجاد زخم و کشتار انسان‌ها می‌شود. گاهی شرّ می‌تواند علت ایجاد لذت‌هایی شود که ظاهرشان لذت‌بخش و درحقیقت درد و رنجی در خود پنهان دارند (درد و رنج لذت‌نما) مانند لذت و سرخوشی موقتی ناشی از ظلم یا خیانت یا سرخوشی ناشی از استعمال مواد مخدر.

۳. کرونا و درد

در بین متقدمین فیلسوف‌پزشک، بحث از درد را عموماً می‌توان ذیل تفکیک بین انواع دردها یا رنج‌ها شناسایی نمود. ابن‌سینا و متأخرین وی دردها را در سه نوع دردهای حسی، دردهای خیالی و دردهای عقلی تقسیم می‌کردند. با کمی تسامح می‌توان دردهای حسی را معادل درد به معنای مستعمل در این نوشتار و دردهای خیالی و عقلی را معادل اقسام رنج‌های مختلف لحاظ نمود. در نگاه ایشان علت فاعلی درد حسی (درد) را می‌توان در دو یا سه وجه دید:

اینکه گاهی درد ناشی از آسیب به اتصال میان اندام بدن است که در انواع شدید آسیب منجر به تفرق و پارگی اتصال اندام مختلف بدن و بروز درد شدیدتر می‌گردد. مانند ضربه‌ای که باعث جداشدن اتصالات برخی اندام انسان می‌شود و این جداشدن اتصالات امری دردناک خواهد بود (ابن‌سینا، ۱۴۰۴: ۶۰/۲). دوم اینکه گاهی درد می‌تواند ناشی از اختلال و سوء مزاج در انسان بروز نماید. مزاج در طبیعت قدیم کیفیتی است که در نتیجه کش و واکنش بین کیفیات متضاد عناصر چهارگانه (تری خشکی گرمی سردی) به وجود می‌آید. مزاج زمانی ایجاد می‌شود که این عناصر با یکدیگر به مسالمت و سازگاری برسند. مزاج در حقیقت معجونی از آن کیفیات متضاد است که به همه آن‌ها شباهت دارد ولی هیچ‌کدام از آن‌ها نیست و خود کیفیتی جدید محسوب می‌شود (ابن‌سینا، ۳۰۱/۱۳۹۲، ۱). خروج از آن وضعیت بنا بر هر دلیلی نشانه اختلال یا به اصطلاح سوء مزاج است و سوم اینکه گاهی درد به جهت وجود هر دو عامل بروز کند. امروزه بحث از درد به جهت مفهوم و مصادیق آن بیشتر در حوزه علوم پزشکی و فیزیولوژیک و اختصاصاً در شاخه مغز و اعصاب مورد بررسی قرار می‌گیرد. درد احساس ناخوشایندی است که به واسطه تحریک پایانه‌های عصبی اندام و بافت‌های بدن انسان توسط یک محرک زیان‌بار یا دردآور ایجاد می‌شود. احساس درد همراه با واکنش‌های غیرارادی‌ای چون واکنش‌های ماهیچه‌ای، داد زدن، عرق کردن، تغییر در فشارخون و تغییرات رفتاری است^۱ (Roth, Calmes, 1981: 7-12).

باتوجه به آنچه در بین طبای قدیم و جدید در مورد درد گفته شده است به نظر می‌رسد می‌توان درد را از منظر فلسفی و نگاهی کلی به‌عنوان مؤلفه‌ای زیستی و جسمانی محسوب شود که حافظ سلامتی انسان‌ها و موجودات حیات‌مند جهان باشد.

بیچه هی‌لرزد از آن نیش حجام هادر مشفق در آن غم، شادکام

(مثنوی، ۲۴۴/۱)

ویروس کرونای جدید عمدتاً به‌عنوان عامل ایجادکننده عفونت در ارگان‌های مختلف بدن و جزء بیماری‌های با وسعت دردناکی بالا شناخته می‌شود. بیش‌ترین عفونت ایجاد شده توسط این بیماری در دستگاه تنفسی فوقانی و تحتانی است و همین مسئله باعث ایجاد دردهای حاد و مزمن در ارگان‌های مذکور و علائمی نظیر سرفه، تنگی نفس، نارسایی تنفسی، ذات‌الریه و... می‌شود (Weng, 2021: 147-159). اما وسعت اختلال و درد ناشی از این بیماری در سایر ارگان‌ها نیز وجود دارد. دردهای ناشی از اختلالات گوارشی، اسهال و استفراغ و

خون‌ریزی شکمی، عفونت دستگاه تنفس فوقانی و اختلال در بویایی، اختلال در چشایی، التهاب و عفونت کلیه، عفونت سلول‌های کبد و نارسایی کبدی، اختلالات عصبی مانند سردرد و سرگیجه و تشنج و حتی سکته مغزی، عفونت محور هیپوفیز و اختلال در کارکرد آن، ایجاد یا تشدید دیابت در افراد و تشدید بیماری‌های قلبی و عروقی از جمله آسیب و دردهایی است که توسط این بیماری ایجاد می‌شود (امیدی و همکاران، ۲۰۲۰). در برخی مقالات از دردهای عضلانی شدید به‌عنوان دردهای شایع این بیماری یاد شده است. هم‌چنین دردهای در ناحیه شکم و بیضه نیز مورد اشاره قرار گرفته است. دردهای عصبی نیز بخشی دیگر از دردهای ناشی از این بیماری است (Putu Eka Widyadharma and the others, 2020). البته دردهای ناشی از بیماری کرونا قسم دیگری از دردها را نیز شامل می‌شوند که در این نوشتار به آن‌ها دردهای غیرمستقیم می‌گوییم. برای مثال کودکان و نوجوانانی که به‌جهت این اپیدمی و لزوم قرنطینه و محدودیت حرکتی، فعالیت کم‌تری را انجام داده‌اند و در نتیجه به بیماری‌هایی چون چاقی و دیابت و دردهای ناشی از مبتلا شوند. یا مادران بارداری که به‌جهت ترس از ابتلا قبل از زایمان کم‌تر به پزشک متخصص رجوع کنند یا مسائل مربوط به غربال‌گری پس از زایمان را ترک کنند خود و فرزندشان لطمه ببینند. هم‌چنین جمع‌کنندگی از افراد مسن که از ترس ابتلا کم‌تر در فعالیت‌های جسمی و بدنی هم‌چون ورزش مشارکت کرده و دچار بیماری‌های مختلف شدند (Fakari and Simbar, 2020).

۴. مذاقه‌ای در مفهوم رنج

در بین متفکران بزرگ جهان، رنج‌ها از منظرهای مختلف تقسیم و تبیین شده‌اند. گاهی رنج‌ها از جهت منشأ و علت ایجادکننده آن به رنج‌هایی که از طبیعت و قوانین حتمی آن و رنج‌هایی که از انسان و سوء استفاده‌های اخلاقی او ناشی می‌شود اطلاق شده است. گاهی از جهت علت غایی و پیامدهای رنج‌ها بحث شده است. رنج‌ها از این منظر در تقسیماتی چون رنج‌های مبارک و سازنده و رنج‌های نامبارک و مخرب مطرح می‌شوند. از جهت نوع مواجهه افراد با مقوله رنج می‌توان به رنج‌های گریزپذیر و گریزناپذیر یا درمان‌پذیر و درمان‌ناپذیر اشاره کرد. البته با توجه به آیات قرآن نیز می‌توان تفکیکی در حقیقت انواع رنج‌ها داشت.

كُنْتُ عَلَيْكُمْ الْفِتَالُ وَهُوَ كَرِهَ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَنْ تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

جهاد در راه خدا، بر شما مقرر شد؛ درحالی که برایتان ناخوشایند است. چه بسا چیزی را خوش نداشته باشید، حال آن که خیر شما در آن است. و یا چیزی را دوست داشته باشید، حال آن که شر شما در آن است. و خدا می‌داند، و شما نمی‌دانید (بقره، آیه ۲۱۶).

رنج‌هایی که حقیقت آن‌ها واقعاً شرّ و بد است و رنج‌هایی که ظاهراً شرّ و بد (شرّ‌نما) هستند و باطن و حقیقت آن‌ها برای انسان خیر است و در مورد لذت‌ها نیز چنین حکمی را می‌توان صادر کرد^۲. در نوشتار حاضر رنج‌ها را از منظر وجود و ظهور برای انسان به دو قسم رنج‌های اولیه و وجودی (رنج‌های روان‌شناختی و رنج‌های فلسفی) و رنج‌های ثانویه و ماهوی تفکیک و مورد بررسی کرده‌ایم.

۴-۱ رنج‌های اولیه و ثانویه

رنج‌های اولیه را می‌توان همان رنج‌های وجودی دانست. این گونه رنج‌ها ناشی از وجود داشتن انسان در این جهان است و به‌نوعی وجود داشتن و زندگی ما در این جهان مقارن مواجهه کم‌وبیش با این قسم رنج‌ها می‌باشد. رنج‌های اولیه را از منظر دیگر می‌توان رنج‌های ذاتی دانست. این رنج‌ها لازمه زیستن ما در این جهان است و فرض خلاصی از این رنج‌ها در زندگی این جهانی با قوانین و اصول حاکم بر آن ناممکن است مانند حرارت که ذاتی آتش است و از آن جدانشدنی. محال است در این جهان بود و زیست ولی با این رنج‌ها روبه‌رو نشد. رنج‌های اولیه از زاویه‌ای دیگر رنج‌هایی علاج‌پذیر هستند. بدین بیان که رهایی و شفا از برخی رنج‌های اولیه و تقلیل و تضعیف (درمان) تمام اقسام این رنج‌ها قابل وصول است زیرا اگر این‌گونه رنج‌ها قابل درمان یا شفا نباشند زندگی این جهانی غیرقابل تحمل و توجیه می‌نمود و این با هر منطقی ناسازگار خواهد بود. تکنیک‌های متعددی از سوی ادیان و متخصصان حوزه زندگی در خصوص درمان و حتی شفای از این رنج‌ها ارائه شده است که کارآمدی زیادی نیز دارند. رنج‌های اولیه از منظر دیگر می‌توانند به‌عنوان رنج‌های سازنده و مبارک تلقی شوند. بسیاری از انسان‌ها در طول تاریخ، رنج‌های اولیه را به آغوش کشیده و از آن‌ها به‌عنوان نردبان تعالی و پیشرفت خویش بهره برده‌اند. رنج‌های اولیه به‌ظاهر تهدیدهایی هستند که می‌توانند به‌عنوان فرصت‌هایی طلایی برای بزرگ شدن و تعالی مورد استفاده قرار گیرند.

رنج‌های اولیه را می‌توان در دو قسم رنج‌های روان‌شناختی و رنج‌های فلسفی تفکیک

کرد. رنج‌های روان‌شناختی در واقع، اولین و عمومی‌ترین رنج‌هایی هستند که انسان با آن‌ها مواجه می‌شود. تقریباً هر انسانی با هر سطحی از تفکر و تعقل این رنج‌ها را می‌شناسد. این رنج‌ها با وجود این‌که از اقسام دردها عمیق‌تر و جانکاه‌تر هستند اما سطحی‌ترین و سهل‌ترین اقسام رنج‌ها محسوب می‌شوند. ویژگی اساسی رنج‌های روان‌شناختی این است که این‌گونه رنج‌ها علاوه بر این‌که وجودی و ذاتی زندگی این جهانی هستند بروز و ظهوری آشکار و روشن در انسان دارند. به عبارت دیگر، شخصی که رنجور رنج‌های روان‌شناختی است کاملاً به وجود رنج خود آگاه است درحقیقت، او می‌داند که چرا و از چه چیزی رنج می‌برد. برای مثال فردی که عزیزی را از دست می‌دهد وجوداً و ظهوراً به رنج خودش آگاه است و علت رنجوری‌اش را می‌داند.

رنج‌های از قسم فلسفی اما با وجود این‌که از سنخ رنج‌های وجودی و ذاتی هستند اما سطحی عمیق‌تر و تا حدودی پنهان‌تر از قسم روان‌شناختی دارند. ماهیت رنج‌های روان‌شناختی و علل بروز آن برای انسان‌های رنجور روشن است اما رنج‌های فلسفی به دلیل این‌که در سطح بالاتری به وجود می‌آیند معمولاً بروز و ظهوری واضح ندارند. انسان در مواجهه با رنج‌های فلسفی به رنج خویش آگاهی دارد و می‌داند که از چیزی رنجور است اما فهم علت بروز آن رنج و این‌که چرا رنج می‌کشد برای برخی آشکار است و برای برخی دیگر آشکار نیست. به بیان دیگر، فهم علت بروز این رنج‌ها همگانی نیست و نیازمند تعمق و تأمل است. مانند رنج‌های ناشی از نقص وجودی انسان و جدا شدن از خداوند که به صورت رنج‌های مبهم و به ظاهر بی‌دلیل به وجود می‌آیند که فهم علت آن‌ها نیازمند واکاوی است. یا رنج ناشی از وجود بی‌عدالتی در جامعه که برای برخی این رنج بروز آشکار دارد و برای برخی دیگر احتمالاً در قالب رنج‌هایی نامفهوم ایجاد می‌شود. *نی‌نامه مثنوی* شرح حال منشأ رنج‌های اینجانی است که تنها با هجرت از این جهان و شوق وصال التیام می‌یابد (مثنوی، ۱/ ۳۴-۱).

اما رنج‌های ثانویه درحقیقت، رنج‌هایی هستند که ذاتی زندگی انسان در این جهان نیستند. این‌گونه رنج‌ها متفاوت از رنج‌های وجودی هستند. شرط لازم و کافی وجود رنج‌های اولیه، وجود داشتن انسان و زیستن او در این جهان است اما در مورد رنج‌های ثانویه، برخورداری از وجود و حیات برای انسان صرفاً شرط لازم و غیرکافی محسوب می‌شود و برای تحقق این‌گونه رنج‌ها شرط یا شروط دیگری نیز لازم است. رنج‌های ثانویه در برخی افراد هیچ‌وقت به وجود نمی‌آیند اما در برخی افراد این رنج‌ها ایجاد می‌شوند و در صورت بروز به شدت

جان‌گناه هستند و حتی فرد را تا مرز تصمیم به نابودی خویش نیز می‌کشانند. شفا و درمان این‌گونه رنج‌ها بسیار مشکل است و گاهی در وضعیتی لاعلاج بروز می‌یابند؛ به‌همین جهت عمده تجویزها درقبال این‌گونه رنج‌ها، سمت‌وسویی پیش‌گیرانه دارد تا درمان و علاج. درواقع، مواجهه نشدن با مصادیق رنج‌های ثانویه و عللی که باعث بروز آن‌ها می‌شوند بهترین راه علاج محسوب می‌شود. در بحث مربوط به چگونگی تحقق رنج‌های جان‌گناه ثانویه این نوشتار فرمول خاصی را معرفی می‌کند: رنج‌های اولیه روان‌شناختی و فلسفی پرسش‌های خاصی را برای انسان ایجاد می‌کند رنج‌های روان‌شناختی بیش‌تر پرسش‌های شخصی و فردی را و رنج‌های فلسفی پرسش‌هایی کلی و عقلی را مطرح می‌کنند. برای مثال مواجهه با رنج‌های روان‌شناختی پرسش‌هایی نظیر این‌که - چرا من باید دچار این رنج شوم؟ چرا از میان این همه انسان، من باید چنین رنجی را متحمل شوم؟ آیا دلیل یا دلایل قانع‌کننده‌ای وجود دارد که من چرا باید این رنج‌ها را تحمل کنم؟ - و یا در مواجهه با رنج‌های فلسفی پرسش‌هایی کلی‌تر مانند این‌که - چرا در زندگی انسان‌ها باید رنج وجود داشته باشد؟ آیا رنج‌ها لازمه زندگی انسان هستند؟ آیا می‌توان از دامنه رنج‌ها کاست؟ آیا باید رنج‌ها را تحمل کرد و اگر پاسخ مثبت است چرا؟

پس از طرح مسائل شخصی و عمومی مذکور، انسان‌ها درصدد ارائه پاسخ‌هایی برمی‌آیند که تا حدود زیادی مؤید نوع مواجهه آن‌ها با رنج‌ها نیز خواهد بود. اگر انسان بتواند در پاسخ به این پرسش‌ها، پاسخی درخور و شایسته ارائه دهد و به‌اصطلاح، علت بروز رنج‌ها و اهداف رنج‌ها و نتایج آن‌ها را تبیین کند، آن‌گاه رنج‌های وی در سطح رنج‌های اولیه متوقف شده و مبتلا به رنج‌های ثانویه نخواهد شد. اما اگر در ارائه پاسخ معقول و موجه ناکام بماند، آن‌گاه رنج‌های اولیه نامدل و تبیین نشده باعث ایجاد رنج‌هایی بسیار جان‌گناه در سطح بالاتر می‌شوند که همان رنج‌های ثانویه محسوب می‌شوند. به‌عبارت دیگر، تحقق رنج‌های ثانویه حداقل سه شرط مهم را لازم دارد:

الف) وجود انسان در این جهان،

ب) مواجهه با رنج‌های اولیه ذاتی،

ج) ناکامی در پاسخ به چرایی رنج کشیدن.

لذا مثلاً اگر ما در جهانی زیست می‌کردیم که خالی از هر درد و رنج اولیه‌ای می‌بود (بهشت موعود) احتمالاً با رنج‌های ثانویه نیز مواجه نمی‌شدیم. رنج‌هایی مانند ناامیدی مطلق، پوچی، احساس اجبار مطلق و استیلا تمام‌عیار قوانین فیزیکی جهان بر انسان، کفر

و الحاد و رنج‌هایی که علت اساسی ایجاد مسئله بی‌معنایی زندگی هستند.

۲-۴ کرونا و رنج روان‌شناختی

رنج‌های روان‌شناختی در بین تمام انسان‌ها وجود دارند و تقریباً هر انسانی خواه ناخواه با قسم یا اقسامی از آن در زندگی خود روبه‌رو می‌شود. از مشهورترین اقسام این رنج‌ها می‌توان به رنج مرگ آگاهی و رنج جاودانه‌گی اشاره کرد. رنج ناشی از جنگ‌ها و مسائل ضداخلاقی، فقر، از کار افتادگی و بلایای طبیعی نیز از این سنخ محسوب می‌شوند. رنج‌های روان‌شناختی، گاهی رنج‌های قابل‌معالجه یا ممکن‌العلاج نامیده می‌شوند. این رنج‌ها دارای پیامدهای سازنده‌ای چون پالایش درونی، بخشایش گناهان یا رستگاری، بازگشت به سرشت نخستین، نجات و سعادت ابدی و یاد خداوند، زایش عیسای درون، ندبه، شناخت دقیق‌تر و کامل‌تر انسان نسبت به خویش و رفع نقص‌های وجودی و تعالی وجودی و درونی هستند (عهد عتیق، امثال: ۱۴ و ۱۳/۲۸؛ متی، ۱۰/۳۸؛ ۱۶/۲۴؛ مک کواری، ۱۶۳: ۱۳۷۷). یکی از مهم‌ترین اقسام رنج‌های روان‌شناختی، رنج ناشی از بیماری‌های کشنده و صعب‌العلاج است که در طول تاریخ بشر با آن مواجه بوده و می‌باشد. توضیح این‌که بیماری‌های انسان‌ها در طول تاریخ این‌گونه بوده‌اند که یا صرفاً آزار و آسیب‌شان جسمی بوده و باعث بروز درد در انسان می‌شده‌اند و یا این‌که علاوه بر جسم، روح و روان انسان را نیز مورد آسیب قرار می‌دادند و به اصطلاح، باعث بروز رنج می‌شده‌اند. بیماری کرونا با طیف گسترده‌ای از اختلال و دردهای حاد و حتی مزمن و با شدت و ضعف مبتلایان را مورد آسیب خود قرار می‌دهد. در بررسی رنج ناشی از کرونا باید گفت:

۱. این بیماری در برخی افرادی که مبتلا شده‌اند، رنج روان‌شناختی گسترده‌ای را ایجاد کرده است.

۲. این بیماری در برخی افرادی که مبتلا نشده‌اند نیز رنج روان‌شناختی گسترده‌ای را ایجاد کرده است.

۳. این بیماری برخلاف اغلب بیماری‌های رنج‌آور، مشتمل بر طیفی از رنج‌های روان‌شناختی می‌شود.

توضیح این‌که معمولاً در بحث بیماری‌ها، اگر درد و رنجی مرتبط با بیماری باشد، به شخص مبتلا اختصاص دارد اما در مورد کرونا به‌صورت آشکارا مشاهده می‌شود بسیاری از

افرادی که به این بیماری دچار و دردمند نشده‌اند؛ از رنج آن در امان نبوده و رنجور شده‌اند (Shahiad, 2020: 184-192). برخلاف غالب بیماری‌های کشنده و صعب‌العلاج که رنج ناشی از ناامیدی از بهبودی، نقص عضو و معلولیت یا حتی مرگ در آن‌ها وجود دارد؛ اما در مورد بیماری کرونا علاوه بر رنج‌های معمول بیماری‌های صعب، رنج‌های دیگری نیز قابل مشاهده است. رنج‌هایی مانند: ازدست دادن شغل، احساس ناامنی اقتصادی و اجتماعی، رنج ناشی از فقر عمومی و فردی، رنج از دست دادن امور مطلوب اعم از انسان‌ها و اموال و... که به وضوح در اکثر نقاط جهان وجود دارد (Tusl and others, 2021). غارت گسترده فروشگاه‌ها در اروپا و امریکا یکی از دلایلی است که می‌تواند مؤید احساس عمیق ناامنی و رنج ترس از فقر و کم‌یاب شدن مایحتاج زندگی باشد.

۳-۴ کرونا و رنج فلسفی

رنج‌های فلسفی در بین همه انسان‌ها وجود دارند اما برای تمام انسان‌ها قابل کشف و فهم نیستند. رنج‌های فلسفی دو گونه هستند: گاهی این رنج‌ها در برخی افراد مکشوف و مفهوم هستند بدین معنا که شخص به رنج خود آگاه است. گاهی نیز این رنج‌ها برای برخی افراد مبهم و پوشیده است بدین معنا که شخص رنجی را در درون خود احساس می‌کند اما نمی‌داند این رنج منشأ و علتش چیست. مولانا فهم و کشف رنج‌های فلسفی را باعث شکوفایی وجودی انسان و دوری از لذت‌نماهای این جهانی می‌داند. و مهم‌تر این‌که شوق وصال را در درون انسان روشن می‌کند (مثنوی، ۱ / ۱-۳۴). البته این رنج‌ها جزء رنج‌های اولیه و ممکن‌العلاج محسوب می‌شوند اما نسبت به دردها و رنج‌های روان‌شناختی جان‌کاه‌تر و عمیق‌تر هستند. از مهم‌ترین مصادیق رنج‌های فلسفی، رنج‌های ناشی از احساس جبر مطلق، آزادی مطلق، نقض حقوق بشر، فقدان عدالت می‌باشد. برای مثال احساس جبر مطلق در مقابل خداوند و انکار کلی اختیار انسان در زندگی این جهانی و اعتقاد به قضا و قدر حتمی و قطعی، کشنده اخلاق، ارزش‌ها، نشاط و پویایی انسان در زندگی است. هم‌چنین احساس آزادی مطلق انسان در زندگی و نفی هرگونه جبر و خارج کردن انسان از دایره قضا و قدر الهی، احساسی رنج‌آور می‌تواند باشد. زیرا احساس آزادی مطلق، مستلزم مسئولیت‌پذیری خارج از تحمل انسان و احساس ناتوانی و بی‌پناهی خواهد بود. از دیگر رنج‌های فلسفی، رنج ناشی از احساس دلزدگی و بی‌ارزش‌انگاری امور مطلوب این جهانی است. توضیح این‌که وصال به

امور ارزش مند این جهانی، آفت ارزش مندی آن‌ها محسوب می‌شود. این گونه است که اگر در ارزش‌های دنیوی مانند ثروت یا قدرت دقت شود تازمانی که انسان این ارزش‌ها را به دست نیاورده باشد؛ این‌ها برایش اموری ارزش مند محسوب می‌شوند اما همین که به این مطلوب‌ها را به چنگ آورد، به تدریج این امور ارزش و مقدارشان را برای فرد از دست می‌دهند و این ویژگی احتمالاً در مورد تمام ارزش‌های این جهانی صدق خواهد کرد. در واقع / رنج ناشی از این وضعیت را رنج دل‌زدگی و بی‌ارزش شدن ارزش‌ها می‌نامند^۳ (کشفی، ۱۳۸۶: ۴۰).

شیوع بیماری کرونا موجب تجدید یا تشدید برخی رنج‌های فلسفی در دوره معاصر شده است. به جهت شدت زیاد سرایت این بیماری، بسیاری از دولت‌ها مجبور به اتخاذ تصمیماتی می‌شوند که در تعارض با آزادی‌های فردی و اجتماعی افراد است مانند قرنطینه یا ماسک زدن یا واکسیناسیون اجباری همگانی که در برخی کشورها موجب بروز اعتراضاتی شده است. کشورهایی مثل آلمان، انگلستان، آمریکا، لهستان، فرانسه، پرتغال اعتراضات گسترده‌ای را تجربه کردند. رنج فلسفی ناشی از بیماری کرونا در حوزه عدالت اقتصادی و اجتماعی نیز نمودی جدی داشته است. به باور اکثر تحلیل‌گران، بیماری کرونا ثروت ثروتمندان را افزون‌تر و فقر فقرا را بیشتر نموده است. در حالی که افراد کم‌درآمد و فقیر، اندک فرصت‌های شغلی خویش را نیز از دست می‌دهند در مقابل، ثروتمندان مخصوصاً آمریکایی، توانستند میلیاردها دلار بر ثروت خود بیفزایند. به نظر می‌رسد چنین شکاف طبقاتی‌ای در تاریخ کم‌سابقه است (Oxfam international, 15th December 2020). مواجهه این بیماری با ثروتمندان و فقرا نیز یکسان نیست. گزارش‌ها نشان می‌دهد بین ۲/۵ تا ۷ برابر، فقرا، سیاه‌پوستان، کارگران و متولیان درمان، بیشتر در معرض ابتلا و آسیب این بیماری هستند. اهمال و کم‌توجهی دولت‌ها به این نابرابری‌ها، احتمالاً باعث بروز اعتراضات متعدد حقوق بشری شده و خواهد شد (ibid).

شیوع بیماری کرونا و لوازم و پیامدهای آن در زندگی بشر معاصر مبنای زیست اجتماعی را تهدید کرده است. این که انسان مدنی‌الطبع یا مدنی‌بالاجبار است، از قدیم‌الایام مورد بحث بوده، اما این که عاملی بتواند مدنیت بشر را تا این اندازه محدود کند ظاهراً در طول تاریخ حیات بشر، کم‌سابقه است. دور شدن قهری از زیست اجتماعی و تنهایی اجباری فراقانونی، ظاهراً انسان معاصر را وادار به مواجهه با خودش می‌کند که به نوعی برای او ناگوار است. انسان معاصر به جهت پارادایم‌های حاکم بر زندگی‌اش در مقایسه با انسان‌های پیشین، به شدت اجتماعی‌تر شده و شاید بتوان گفت یکی از علت‌های گرایش به زیست در اجتماع، فرار از

مواجهه با خود و ابهام‌ها و ترس‌های ناشی از آن بوده است.^۴

رنج فلسفی دیگر، احساس تنهایی و تنها بودن در این جهان است. این قسم از تنهایی البته با قسم پیشین که تنهایی به معنای دوری از دیگران و کاهش ارتباط با دیگران و اجتماعی بودن است، متفاوت می‌باشد. احساس تنهایی از این سنخ، بیش‌تر با معانی‌ای چون احساس بی‌پناهی، احساس درماندگی و درخود ماندگی هم‌خانواده می‌شود. این احساس عمدتاً به واسطه رنج‌ها و بلاهای سهم‌گین بروز جدی می‌یابد و انسان احساس می‌کند درمقابل این حمله شدید در این جهان، تنهاست و توان مقاومت و تحمل خود را از دست می‌دهد (مظاهری و علیزمانی، ۱۳۹۷: ۷۲-۷۳). بیماری کرونا هم به جهت وسعت و هم به جهت شدت، این رنج درونی و خفته را در نهاد بسیاری از انسان‌ها شعله‌ور کرده است. بروز احساس تنهایی و بی‌پناهی را می‌توان یکی از مهم‌ترین پیامدهای کرونا دانست. نوع مواجهه با این رنج متلائم با مبانی فکری شخص درباب خدا، انسان و طبیعت است فلذا رنج احساس تنهایی هم می‌تواند تبدیل به رنجی غیرقابل درمان و ثانویه تبدیل شده؛ هم می‌تواند رنجی مبارک تلقی شود که در انسان به جای ناامیدی مطلق، بازگشت به خداوند و عطش و شوق وصال را تقویت کند. این نوشتار اعتقاد دارد برکت این رنج در جهان معاصر بر طرف شر آن خواهد چربید و جهان پس از کرونا دل‌بستگی بیشتری به سمت معنویت داشته باشد.

۴-۴ کرونا و رنج‌های ثانویه

رنج‌های ثانویه را می‌توان از منظری به‌عنوان رنج‌های ماهوی در نظر گرفت. اگر متلائم با رویکرد فیلسوفان اگزیستانس ماهیت انسان را متأخر از وجودش و امری تابع و محصول نحوه بهره‌گیری از امکانات وجودی هم‌چون آزادی و عقلانیت و... بدانیم، آن‌گاه بلید گفت رنج‌های ثانویه یا ماهوی برخاسته از نوع اعتقادات و باورهای ما، احساسات و عواطف ما و آرمان‌ها و اهداف و ارزش‌های ما است. این‌که ماهیت و شاکله انسان براساس چه اصول و مبانی‌ای شکل گرفته باشد مؤثر در مواجهه یا عدم مواجهه ما با این رنج‌ها خواهد بود. در تاریخ حیات بشر، بیماری‌هایی با سرایت و کشندگی بالا نظیر آنفولانزاهای فصلی، اسپانیایی یا خوکی، طاعون‌های وحشتناکی مانند طاعون سیاه یا طاعون ژوستی نیز وجود داشته‌اند، اما یکی از شاخصه‌هایی که کرونا را از سایر بیماری‌ها متمایز می‌کند، زمان و دوره‌ای است که این بیماری در آن بروز یافته و از این جهت می‌بایست مورد مذاقه بیشتری

از جانب اهل فن قرار گیرد.

تفکر ساینتیسم یکی از جریان‌های فکری قدرت‌مند در دوره معاصر است که به‌نوعی از دل مدرنیسم پدید آمد. ساینتیسم با تمام فراز و فرودها و شعبات مختلف آن، با تسری روش تجربی و فیزیکی علوم طبیعی در علم، و تأکید بر وحدت روشی علوم، علم تجربی را علمی مقدس و نجات‌بخش تلقی می‌کند و با خوش‌بینی معتقد است علم تجربی می‌تواند سعادت و خوشبختی انسان در زندگی این‌جهانی را محقق کند و رنج‌های زندگی را یکی پس از دیگری از بین ببرد (باربور، ۱۳۶۲: ۲۰). به‌جهت پیشرفت‌های خیره‌کننده علوم تجربی مخصوصاً در حوزه مهارت‌های مهندسی و تکنولوژی‌های مختلف و یأس و ناامیدی انسان مدرن از آسمان و متافیزیک، اندیشه نجات‌بخشی و رهایی‌بخشی انسان از رنج‌ها و آسیب‌ها در اثر پیشرفت‌های علوم تجربی در دوره معاصر قوت گرفته است. به عبارت دیگر، انسان معاصر به‌جهت قطع ارتباط با خداوند و متافیزیک، تنهایی و بی‌پناهی را در وجود خود احساس می‌کند. یکی از راه‌های فرار از این احساس ناخوشایند، پناه آوردن به علم جدید تجربی و امیدواری و خوشبینی به شاخصه نجات‌بخشی و قداست آن است. این‌که ساینتیسم به‌واسطه پیشرفت‌های خیره‌کننده‌اش، جای خداوند را گرفته و پناه امن انسان بی‌پناه مدرن شود و رنج‌های این‌جهانی زندگی را کاهش داده و درنهایت، بهشت موعود را خالی از رنج مرگ، بیماری، زلزله، سیل و... در همین جهان محقق کند (Whetstone, 2005:12, ettinger, 2005:538). فارغ از این‌که کرونا بیماری‌ای طبیعی باشد که محصول طبیعت و یا تجاوز انسان به طبیعت باشد و یا این‌که آن را بیماری‌ای آزمایشگاهی و انسانی تلقی کنیم، شیوع و کشندگی آن در عصر حاضر، که مصادف با اوج شکوه ساینتیسم است، تا حدود زیادی اندیشه خوش‌بینانه نجات‌بخشی علوم تجربی را مورد مناقشه قرار داده است. علمی که قرار بوده نجات‌بخش بشر از مرگ و رنج‌ها باشد و عافیت و آرامش را به‌همراه آورد، اکنون در مواجهه با این بیماری، غافل‌گیر شده است. مسئله آزاردهنده دیگر این است که علم تجربی خود یکی از متهمین ایجاد بیماری کرونا محسوب می‌شود که با تقدس و نجات‌بخشی آن سازگاری ندارد. البته درعین‌حال باید به کوشش و توفیق نسبی علوم تجربی در ساخت واکسن کرونا در این بحبوحه نیز اشاره کرد. این‌که علم تجربی با مدد تکنولوژی زندگی انسان را در حوزه مختلف بهبود چشم‌گیری بخشیده، کاملاً ستودنی است و این مقوله، انتظاری به‌جا و شایسته از این قسم علوم می‌باشد. اما باید دانست انتظار بیش‌از حد توان از علم تجربی، می‌تواند آسیب‌زا باشد. این‌که خواسته شود علوم تجربی مقدس و ارزشی محسوب شده و غایت

سعادت انسان‌ها در این علوم لحاظ شود می‌تواند انتظاری نابه‌جا تلقی شود؛ توضیح این‌که، از گذشته، علم متولگی ارائه شناخت و توصیف و تبیین و غایت موجودات (انسان، طبیعت و خدا) بوده است. ارسطو شناخت علمی را مشروط به شناخت علل اولیه آن‌ها می‌داند. ارسطو با تفکیک علل به چهار قسم علت مادی (ماده و موضوع) علت صوری (جوهر و چیستی) علت فاعلی (منشأ و از کجایی) و علت غایی (چرایی) فرایند شناسایی را مشتمل بر شناخت این چهار قسم می‌داند (ارسطو، ۱۳۹۲، آ ۱۱: ۹۸۳). امروزه در علوم با روش‌های تجربی، بحث‌های مربوط به غایت‌شناسی کنار گذاشته شده و در عوض، به علل مادی و فاعلی از نوع طبیعی توجه زیادی می‌شود. علوم تجربی جهانی را می‌کاود که نسبت به ارزش‌های دیرینه انسانی بی‌تفاوت است (Barbour, 1991: 3). بی‌معنایی، تحقیق‌ناپذیری، آزمون‌ناپذیری و یا ابطال‌ناپذیری گزاره‌های ارزشی و متافیزیکی، بخش عمده‌ای از ظرف وجودی انسان معاصر را دچار بحران کرده است. مبنای ساینتیسم متولی از بین بردن بحرانی شده که در واقع، خود سهم عمده‌ای در ایجاد آن داشته است. مضافاً این‌که ایده ساینتیسم و قداست‌انگاری علوم تجربی، مبنایی غایت‌شناختی محسوب می‌شود و همان‌سان که گفته شد، مباحث و مسائل غایت‌شناختی از حیطه بررسی علوم تجربی خارج است.

رنج مهم دیگر، محصول تفکر غالب غرب و بخش عمده‌ای از جهان یعنی اومانیسیم است. اومانیسیم تفکری است که دغدغه‌اش شناخت خداوند نیست بلکه در پی این است که با تأکید بر عقلانیت و علم‌گرایی، زندگی این جهانی انسان را سروسامان بخشد (خاتمی، ۱۳۸۱: ۱۰۲). اومانیسیم به واسطه عقل‌گرایی، وجود خداوند و متافیزیک را انکار می‌کند یا در حالت خوش‌بینانه، تحقیر و تضعیف می‌کند (براون، ۱۳۹۲: ۲۲۸) و به واسطه علم‌گرایی و تکنولوژی حاصل از ساینتیسم، با انکار ارزش ذاتی و شرف طبیعت، به تخریب و تجاوز در طبیعت و ایجاد بحران در محیط زیست پرداخته است (برونوفسکی، ۱۳۶۸: ۱۳۷). در مکتب اومانیسیم همه موجودات جهان خادم و در خدمت انسان هستند اما انسان خادم هیچ موجودی حتی خدا نیست (گنون، ۱۳۷۲: ۸۲). کرونا را از این جهت می‌توان به‌عنوان عاملی محسوب کرد که غرور و سرمستی ناشی از اومانیسیم را در انسان تا حدودی تضعیف و انسان معاصر را به فروتنی هدایت می‌نماید.

کرونا به بشر نشان داد که برخلاف تصور وی، طبیعت فاقد حیات و علم و شعور نیست و صرفاً در خدمت بهره‌گیری تکنولوژیک انسان قرار ندارد. طبیعت، فرای ارزش‌گذاری انسان، دارای ارزش ذاتی است، از نظام و قوانینی احسن و اکمل برخوردار است که صرفاً توسط

انسان کشف شده‌اند. انسان در بهترین شکل، جانشین و امانت‌دار خداوند در طبیعت است جایی که حضور جسمانی خداوند در آن محال است و به امانت به انسان سپرده شده و می‌بایست در آن زمینه، پیشرفت خود و تمام اجزاء طبیعت را فراهم کند (چیتیک، ۱۳۸۲: ۷۳). براساس عمده تعاریف غایت‌شناختی از فلسفه در تفکر فیثاغوریان و افلاطونیان و فیلسوفان مسلمان، غایت نهایی فلسفه و عموماً علم، تشبیه به خداوند است، اما داعیه اومانیسیم نه شبیه به خدا شدن بلکه جانشین خدا شدن انسان است و این خدا شدن انسان، هم‌سان تفکر ساینتیسم، باری است که تحمل آن خارج از توان انسان است (افلاطون، ۱۳۶۷: ۲/۱۱۱۰).

بر این اساس، خدا در تفکر اومانیسیم اگر انکار نشده باشد؛ آن‌قدر ضعیف است که نه می‌تواند منشأ بروز خیر باشد و نه منشأ بروز شر. به‌نظر می‌رسد براساس مبانی اومانیسیم دینی و فروگاهی صفاتی چون خیریت محض و قدرت علی‌الاطلاق خداوند، بیماری کرونا نمی‌تواند به‌عنوان شر وجودی آزمایشی برای وجود داشتن یا وجود نداشتن خداوند لحاظ شود هم‌چنان‌که سابقاً شرور وجودی، سنگر و پناهگاه ملحدین و منکرین وجود خداوند بود. احتمالاً بیماری کرونا در دوره معاصر بیشتر باید آزمایشی برای سنجش عیار اومانیسیم و علم‌گرایی تلقی شود.

۵. نتیجه‌گیری

بیماری کرونا درست در زمانی بروز می‌کند که انسان به واسطه قدرت علوم تجربی در اوج شکوهش قرار دارد. انسان با قدرت صنعت و تکنولوژی حاصل از علوم تجربی خود را حاکم لامنازع جهان می‌داند. کرونا با وجود این قدرت، اقسام متنوعی از دردها و رنج‌ها را به انسان معاصر تحمیل کرده است. این بیماری در افراد غیرمبتلا نیز موجبات بروز رنج‌های جدی شده است. دردهای بی‌واسطه و باواسطه این بیماری پرشمارند. رنج‌های وجودی روان‌شناختی و فلسفی، بخشی دیگر از پیامدهای کووید ۱۹ هستند و نهایتاً رنج‌های ثانویه یا ماهوی - که جان‌کاه‌ترین رنج‌های بشر محسوب می‌شوند - نیز در این بیماری برای برخی انسان‌ها خودنمایی می‌کنند. کرونا چالشی جدی برای تفکراتی چون ساینتیسم و اومانیسیم محسوب می‌شود. قدرت انسان در مقابل طبیعت و خدا را مورد تردید جدی قرار داده است. شاخصه نجات‌بخشی علوم تجربی با وجود ساخت واکسن‌ها و داروها خدشه‌دار شده است. همه این مسائل می‌توانند به‌عنوان مویذاتی مطرح شوند که لزوم بازنگری در نگاه

انسان به جهان و خداوند و هم‌چنین خودش را می‌طلبد و توصیه به خضوع و فروتنی می‌کند.

پی‌نوشت

۱. از نظر پزشکی درد مقوله ساده‌ای نیست مخصوصاً این‌که گاهی وجود درد، بدون وجود محرک‌های واقعی و خارجی ایجاد می‌شود که به دردهای سایکولوژیک مشهور هستند. دردها در یک تقسیم‌بندی به دردهای حاد و دردهای مزمن تقسیم می‌شوند. دردهای حاد دردهایی هستند که شدید، ناگهانی و زودگذر بوده و عموماً هم‌راه با زخم و بیماری بروز می‌کنند. دردهای مزمن دردهایی هستند که به‌صورت روزانه و بیش‌تر از سه ماه طول می‌کشند و علی‌رغم درمان علت، هم‌چنان وجود دارند (مسگریان و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۹۵).

۲. مولوی می‌گوید:

خواه دانا خواه نادان یا خسی	قهر را از لطف داند هر کسی
یا که قهری در دل لطف آمده	لیک لطفی قهر در پنهان شده
کش بود در دل محک جانایی	کم کسی داند مگر ربانی
سوی لائنه خود به یک پر می‌پرند	باقیان زین دو گمانی می‌پرند

(مثنوی، ۱۵۰۶/۳-۱۵۰۹)

۳. این مسئله در بیان شوپنهاور، قابل لمس است. وی هرگونه اراده ورزی و خواست چیزی را ناشی از نقص و رنج می‌داند. از نظر شوپنهاور، اشتیاق انسان نسبت به امور و رضایت و اقناع از به‌دست آوردن امور ظاهراً ارزش‌مند، زمان زیادی دوام ندارد. میلی که برآورده می‌شود بی‌درنگ راه را برای میل دیگر باز می‌کند درحالی‌که فریبی آشکار است. وی معتقد است هیچ‌یک از اهداف و ارزش‌های مورد نظر انسان‌ها نمی‌تواند رضایتی را تولید کند که زمان زیادی دوام بیاورد و زایل نشود (شوپنهاور، ۱۳۹۲: ۲۰۴).

۴. افراط در اجتماعی‌شدن انسان در اکثر حوزه‌های فکری قابل‌ره‌گیری است. برای مثال در حوز اخلاق، برخلاف گذشته که تأکید بر مبنا بودن اخلاق در حوزه فردی و تبعیت اخلاق اجتماعی از آن بوده، اما امروزه اخلاق اجتماعی در حوزه‌هایی مانند اخلاق شغلی و غیره به‌شدت مورد تأکید است و اخلاقیات در حوزه فردی امری شخصی تلقی می‌شود.

۵. یکی دیگر از عجایب کرونا این است که در طول تألیف این نوشتار زمانی گفته شد که واکسن‌ها و داروهای تجویزی ساخته شده برای آن، کاملاً کارآمد و ضروری هستند و در این اواخر تردیدهایی نسبت به کارآمدی واکسن‌ها و داروهای مذکور شکل گرفته است.

منابع

قرآن

نهج البلاغه

- ابن‌سینا (۱۳۹۲). *قانون در طب*، ترجمه: علیرضا مسعودی، انتشارات مرسل.
- ابن‌سینا (۱۴۰۴). *الشفای طبیعیات*، تحقیق: ابراهیم مدکور و دیگران، قم: مکتبه آیت‌الله المرعشی.
- ارسطو (۱۳۹۲). *متافیزیک*، ترجمه: شرف‌الدین خراسانی، تهران: حکمت.
- آشتیانی، سید جلال‌الدین (۱۳۷۳). *زرتشت: مزدیسنا و حکومت*، تهران: انتشارات شرکت سهامی.
- استیس، والتر تی (۱۳۸۲). «در بی معنایی معنایی هست»، ترجمه: اعظم پویا، *فصلنامه نقد و نظر*، شماره ۲۹ و ۳۰، تابستان ۱۳۸۲، صص ۱۰۸-۱۲۳.
- افلاطون (۱۳۶۷). *دوره آثار افلاطون*، ترجمه: محمدحسن لطفی، تهران: خوارزمی.
- ایمان‌پور، منصور (۱۳۹۹). «تحلیل فلسفی بحران ناشی از کرونا و ویروس»، *پژوهش‌های فلسفی*، شماره ۳۱، تابستان ۱۳۹۹، صص ۵۱-۷۵.
- برنز، امیلی (۱۳۵۸). *مارکسیسم چیست*، ترجمه: محمدتقی صالحی، تهران: کتابخانه فروردین.
- براون، کالین (۱۳۹۲). *فلسفه و ایمان مسیحی*، ترجمه: طاهره وس میکائیلیان، ویراست دوم، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- بودا (۱۳۷۸). *چنین گفت بودا*، ترجمه: هاشم رجب‌زاده، تهران: اساطیر.
- بهار، مهرداد (۱۳۸۸). *ادیان آسیایی*، تهران: نشر چشمه.
- بیات، محمدرضا (۱۳۹۳). *دین و معنای زندگی در فلسفه تحلیلی*، قم: دانشگاه ادیان و مذاهب.
- پوپر، کارل ریموند (۱۳۵۰). *فقر تاریخیگری*، ترجمه: احمد آرام، تهران: خوارزمی.
- جلالی نائینی، سید محمدرضا (۱۳۷۵). *هند در یک نگاه*، تهران: نشر شیرازه.
- جهانشاهی، محسن (۱۳۸۴). «نانو بیوتکنولوژی و افزایش طول عمر»، *خبرنامه انجمن بیوتکنولوژی ایران*، شماره ۱۱، صص ۳۵-۴۱.
- داستایوفسکی، فتودور (۱۳۹۳). *دفتر یادداشت‌های یک نویسنده*، ترجمه: ابراهیم یونسی، تهران: انتشارات معین.
- زرین‌کوب، عبدالحسین (۱۳۹۰). *جستجو در تصوف ایران*، تهران: انتشارات امیرکبیر.
- سارتر، ژان پل (۱۳۸۶). *اگزیستانسیالیسم و اصالت بشر*، ترجمه: مصطفی رحیمی، تهران: نیلوفر.

سعیدی مهر، محمد (۱۳۹۶). «چیستی درد از دیدگاه ابن سینا»، حکمت معاصر، سال هشتم، شماره دوم، صص ۳۹-۵۳.

سینگر، پیتر (۱۳۷۹). مارکس، ترجمه: محمد اسکندری، تهران: طرح نو.

شوپنهاور، آرتور (۱۳۹۲). جهان هم‌چون اراده و تصور، ترجمه: رضا ولی‌یاری، تهران: مرکز.

طباطبائی، محمدحسین (۱۳۷۰). المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، تهران: انتشارات محمدی.

فرانکل، ویکتور (۱۳۷۲). پزشکی و روح، ترجمه: فرخ سیف بهزاد، تهران: درسا.

فلاح، محمدمهدی (۱۳۹۹). «بحران کرونا، بستری برای بازنگری در مسئله علم و دین از منظر دین عامیانه»،

جستارهای فلسفه دین، دوره ۹، شماره ۱، بهار و تابستان، صص ۵۷-۷۵.

قدردان قراملکی، محمدحسن (بی تا). «امکان تعریف و توصیف خدا»، قیسات، سال شانزدهم، صص ۵-۳۲.

کاپلستون، فردریک (۱۳۹۸). تاریخ فلسفه غرب، ترجمه: داریوش آشوری، تهران: سروش.

کامو، آلبر (۱۳۹۳). افسانه سیزیف، ترجمه: مهستی بحرینی، تهران: انتشارات نیلوفر.

کتاب مقدس (۱۹۷۵). انجمن پخش کتب مقدسه.

کشفی، عبدالرسول (۱۳۸۶). «تحلیلی فلسفی از رنج روان‌شناختی بیماران در آستانه مرگ و جایگاه آن در

اخلاق پزشکی»، فصلنامه دیابت و لیپید ایران، صص ۳۷-۴۵.

کی‌یرکگارد، سورن (۱۳۸۴). ترس و لرز، ترجمه: عبدالکریم رشیدیان، تهران: نشر نی.

گنون، رنه (۱۳۷۲). بحران دنیای متجدد، ترجمه: ضیال‌الدین دهشیری، تهران: امیرکبیر.

مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳). بحار الأنوار، محقق/مصحح: جمعی از محققان، بیروت: دار احیاء

التراث العربی.

مسگریان، فاطمه و همکاران (۱۳۹۱). «نقش‌پذیری درد در کاهش شدت درد و ناتوانی بیماران مبتلا به درد

مزمن»، مجله تحقیقات علوم رفتاری، دوره ۱۰، شماره ۳، صص ۱۹۴-۲۰۳.

مک‌کواری، جان (۱۳۷۷). فلسفه‌های وجودی، ترجمه: محمدسعید حنایی کاشانی، تهران: هرمس.

ملاصدرا (۱۳۸۲). الشواهد الربوبیه فی المناهج السلوکیه، تصحیح و مقدمه: مصطفی محقق داماد، تهران: بنیاد

حکمت اسلامی صدرا.

مولوی، جلال‌الدین محمدبن محمد (۱۳۸۲). مثنوی معنوی، به‌کوشش: رینولی نیکلسون، تهران: هرمس.

نجاتی، محمد؛ طولی، فاروق؛ تقوی، سیدعباس (۱۳۹۹). «پرسش از معنای زندگی و ارتباط آن با رنج‌های

انسان»، عقل و دین، سال دوازدهم، شماره ۲۲، بهار و تابستان، صص ۷-۲۲.

نصری، عبدالله (۱۳۹۵). «تحلیل معنا در معنای زندگی» ذهن، شماره ۶۷، پاییز، صص ۱۰۳-۱۲۲.

نوالی، محمود (۱۳۹۹). «کرونا و ویروس به‌مثابه موت اصغر» پژوهش‌های فلسفی، دوره چهاردهم، شماره ۳۱،

تابستان، صص ۱۶۳-۱۶۸.

نیچه، فردریش (۱۳۸۷). فراسوی نیک و بد، ترجمه: داریوش آشوری، تهران: خوارزمی.

- Ameneh Omidi A, Shatizadeh Malekshahi S, Veisi P (2020). "Extra Pulmonary Manifestations of COVID-19: A Narrative Review", *Journal of Arak University of Medical Sciences*, Forthcoming, Doi: [http://dx. doi.org/10.32598/jams](http://dx.doi.org/10.32598/jams). 23. COV. 6186.1.
- Barbour, Ian. (1989). *Religion in an Age of Science*, Harper Sanfrancisco Publisher.
- Chaolin Huang and others (2020). "Clinical Features of Patients Infected with 2019 Novel Coronavirus in Wuhan, China", *lancet*, January, (395): 497-506.
- Elster. J (1985). *Studies in Marxism and Social Theory, Making Sense of Marx*, Cambridge University Press.
- Fakari FR, Simbar M (2020). "Coronavirus Pandemic and Worries during Pregnancy; a Letter to Editor", *Archives of Academic Emergency Medicine*, 8(1): 21.
- James, William (1907). "Pragmatism's Conception of Truth", *The Journal of Philosophy, Psychology and Scientific Methods*, Volume 4.
- Hawking, Stephen (1988), *A Brief History of Time*, London: Bantam Press.
- Hick, John (2007). *Evil And The God of Love*, USA: Palgrave.
- <https://www.oxfam.org/en/press-releases/27-billion-people-have-had-no-social-protection-cope-covid-19-economic-crisis>.
- Putu Eka Widyadharna and the others (2020). "Pain as Clinical Manifestations of COVID-19 Infection and its Management in the Pandemic Era", *The Egyptian Journal of Neurology, Psychiatry and Neurosurgery* 56: 121.
- Roth. Gerarld I, Calmes. Robert B (1981). *Oral Biology*, C. V. Mosby Co. pp. 3-16.
- Shahiad, Shima, Mohammad Taghi T Mohammad (2020). "Psychological Impacts of Covid-19 Outbreak on Mental Health Status of Society Individuals", *Journal of Military Medicine*, February, Volume 22, Issue 2, pp. 184-192.
- Stanford encyclopedia of philosophy (2016). "the definition of death", *august*, [http://Plato. Stanford. Edu/entries/death-definition](http://Plato.Stanford.Edu/entries/death-definition).
- Tusl, Martin, Rebecca Brauchli, Philipp Kerksieck and Georg Friedrich Bauer (2021). "Impact of the COVID-19 crisis on work and private life, mental well-being and self- rated health in German and Swiss employees", *BMC Public Health*, 21.
- Weng, Lin man, Su. Xuan and others (2021). "Pain Symptoms in Patients with Coronavirus Disease (COVID-19)", *Journal of Pain Research*, Volume 14.